

## نقد و تحلیل عناصر داستانی رمان عشق سال‌های جنگ

راضیه جعفری

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات مقاومت، دانشگاه محقق اردبیلی

ابراهیم رنجبر

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز

### چکیده

رمان مربوط به جنگ به عنوان یکی از انواع رمان، امروزه خوانندگان فراوانی را به خود اختصاص می‌دهد مشروط برای نکه از قالب و تکنیک و فرم زیبا و شایسته‌ای برخوردار باشد و پرورش درستی از حادثه جنگ داشته باشد. از جمله رمان‌های مربوط به دفاع مقدس که به صورت زیبایی توانسته جنگ و ابعاد آن را به تصویر بکشد، رمان عشق سال‌های جنگ است. با توجه به این- که حسین فتاحی در این رمان درصدد انعکاس روزهای جنگ به نسل بعد از جنگ است، اگر نقد و تحلیل این رمان با معیار- های صحیح نقد صورت گیرد می‌تواند به اندازه شناخت تاریخ جنگ مفید واقع شود. در این مقاله این رمان را از نظر موضوع، پیرنگ، محتوا، شخصیت‌ها و زاویه دید معرفی و نقد کرده‌ایم. این رمان تکنیک لازم رمان نویسی را دارد و از آثار ادبی موفق به شمار می‌رود.

**کلیدواژه‌ها:** نقد و بررسی، رمان دفاع مقدس، عشق سال‌های جنگ، حسین فتاحی.

### مقدمه

تغییرات اجتماعی و سیاسی همواره بر اکثر امور جامعه به خصوص ادبیات مؤثر بوده است. از این رو با خواندن آثار ادبی هر دوره می‌توان به تغییرات و نیز ارزش‌های حاکم بر آن پی برد. بنابراین «برای شناخت یک ملت خواندن داستان‌های آنان و مطالعه و بررسی تاریخ و سرگذشتشان ضروری‌تر است زیرا ادبیات آینه‌ی تمام‌نمای احساسات و ادراکات و انعکاس دهنده‌ی حالات و روحیات جمعی است» (سرشار، ۱۳۹۲: ۷).

از میان شکل‌های مختلف آثار ادبی «رمان مهم‌ترین و معروف‌ترین شکل تبلور یافته ادبی روزگارما» (میرصادقی، ۱۳۷۹: ۹) و «نماینده‌ی بخشی از زندگی واقعی انسان‌ها بر پهنه‌ی دنیای پر التهاب امروز است. از همین رو یکی از بدیع‌ترین و برجسته‌ترین اشکال ادبی عصر حاضر به شمار می‌آید» (رحماندوست، ۱۳۸۸: ۳۴). گاهی تحولات اجتماعی با جنگ‌ها و نزاع‌های ملی و فراملی همراه بوده است و بدین جهت «تردیدی نیست که پای ادبیات دیر زمانی است که در مقوله جنگ گشوده شده و همیشه یک تم اساسی برای داستان‌نویسان جهان بوده است. نوشتن درباره‌ی جنگ عرصه گسترده‌ای را پیش روی داستان‌نویس قرار می‌دهد که می‌تواند از طریق ثبت هنرمندانه‌ی وقایع، تصویرگر دل‌آوری‌ها و حماسه‌ها، پیکارها، شکست‌ها و پیروزی‌ها و نگارگر عوارض و تبعات آن باشد» (کافی، ۱۳۸۹: ۱۹۰).

از این رو می‌توان گفت که «رمان که به سبب نزدیکی منحصر به فرد به زندگی و دغدغه‌اش درباره‌ی تجربیات و احساسات بلافصل و مستقیم از زمان و مکان خاص و به سبب این‌که اشکال متنوع‌تری از زندگی را موضوع کار خود دارد، خوانندگان متنوع‌تری را جذب می‌کند» (رحماندوست، ۱۳۸۸: ۳۴).

از این رو «اگر نقد رمان با معیارهای درست آن انجام شود، می‌تواند در رشد و بالندگی آثار ادبی تأثیر تعالی بخشی داشته باشد» (همان: ۱۶۰).

یکی از مسلمات این است که «در شرایط امروز، قصه‌ها و رمان‌های جنگ خوانندگان فراوانی دارند مشروط بر این‌که از قالب و فرم و تکنیک و زیبایی شایسته‌ای برخوردار باشند و پرورش درستی از حادثه‌ی جنگ و به کارگیری متناسبی از تمهیدات لازم داستان پردازی محمل داستان قرار گرفته باشد. با توجه به شرایط اجتماعی ما، دین باوری و باورهای معنوی یکی از موضوعات مهمی است که در اغلب نوشته‌های داستانی در کنار ادبیات ویژه‌ی جنگ جلوی خاص یافته‌است اما آن‌چه در این نوشته‌ها به عنوان یک نقطه‌ی قابل تعمق وجود دارد و موجب شده تا حاصل کار داستان‌نویسان انقلاب اسلامی، قابل عرضه و رقابت در سطوح جهانی نباشد و جای شایسته‌ای در ادبیات داستانی جهان پیدا نکند، بیان و نگرش شعارگونه‌ی آنهاست» (همان: ۱۹۴). با این همه رمان‌های موفق و معتبری در زمینه‌ی جنگ نوشته شده‌اند.

از جمله رمان‌هایی که در خصوص جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق نوشته شده است، رمان **عشق سال‌های جنگ** است که در آن نویسنده تمام قدرت احساس و درک خود را برای به تصویر کشیدن گوشه‌ای از حوادث مربوط به جنگ به کار گرفته است. این رمان از چندین داستان فرعی تشکیل یافته است که در مجموع این داستان‌ها رمان را به سوی موضوع اصلی پیش می‌برند. «مسلم است که آثار بیرونی جنگ و مظاهر آسیب‌ناختی آن ساختمان‌ها، راه‌ها، شهرها و حتی آسیب‌های جسمی و روحی به مرور از ذهن فراموشکار انسان‌ها پاک خواهد شد ولی آن‌چه باقی می‌ماند ساختمان داستانی است» (همان: ۱۷۴).

بدین ترتیب این رمان بخشی از واقعیت مربوط به جنگ عراق با ایران را به نمایش می‌گذارد و می‌تواند برای نسل‌های بعدی منبع تحقیق باشد. بدیهی است که شناخت و تحلیل این رمان به اندازه‌ی شناخت تاریخ جنگ ارزش و اهمیت دارد.

#### درباره نویسنده

**حسین فتاحی** متولد (۱۳۳۶) یزداست. همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی اولین رمان خود، **مدرسه انقلاب** و بعد از آن رمان **کودک و توفان** را نوشت. آتش در خرمن سومین کار موفق بلند فتاحی است که به عنوان کتاب برگزیده‌ی سال ۱۳۶۷ معرفی شد و بعدها به سریال هشت قسمتی برای تلویزیون تبدیل شد. **امیر کوچولوی هشتم، راهزن‌ها و بچه‌های سنگان** هر سه رمان‌هایی‌اند که برای نوجوانان نوشته شده‌اند. از **حسین فتاحی** چند قصه کوتاه و چند مجموعه به چاپ رسیده است. پسران جزیره ادامه‌ی آتش در خرمن است به همان فضا و شخصیت‌ها. در رمان پسران جزیره گوشه‌ای از اعمال ناجوانمردانه‌ی دشمن به تصویر کشیده است. **حسین فتاحی** تاکنون بیش از هر چیز در زمینه‌ی رمان نوجوانان قلم زده است و رمان **عشق** سال‌های جنگ نخستین گام او در عرصه بزرگسالان است.

**حسین فتاحی** در این رمان (چاپ اول ۱۳۷۳) تمام قدرت احساس و درک و خود را برای به تصویر کشیدن گوشه‌ای از حوادث جنگ ایران و عراق به گونه‌ای به کار گرفته است که در آن به مسأله‌ی عشق، دلدادگی، جنگ و دلمردگی نگاهی خاص و ویژه دارد و دیگر مسائل را به حاشیه برده است.

حدیث عشق حدیثی مکرر از زندگی آدم‌هاست که در تمام روزگار و برای همه‌ی آدم‌ها دلچسب و جذاب بوده است (شیشه گران: ۱۳۸۶، ۱۷۱).

#### خلاصه رمان

حمید محمدی دانشجوی تهرانی، در جریان درگیری‌های کردستان برای مقابله با نیروهای ضدانقلاب و کمک به مردم کردستان راهی آنجا می‌شود. وی در کردستان برای چندمین بار نرگس را ملاقات می‌کند و این دیدارها تبدیل به عشقی بین آن دو می‌شود. نرگس معلمی کردستانی است که به صورت داوطلبانه در بیمارستان‌ها به مراقبت از مجروحان جنگی می‌پردازد. اما ازدواج آن‌ها با موانعی روبرو می‌شود نرگس که از کودکی برای پسرعمه‌اش در نظر گرفته شده است علی‌رغم مخالفت‌های پدر به اردلان که به تازگی پزشک شده جواب منفی می‌دهد و حمید را به همسری برمی‌گزیند و همین امر سبب ایجاد کینه در دل اردلان می‌شود. وی پس از این جریان به یکی از بیمارستان‌های ارومیه منتقل می‌شود و منتظر فرصتی برای انتقام می‌شود. حمید در جریان یکی از درگیری‌ها اسیر می‌شود ولی با کشتن یکی از مهره‌های اصلی ضدانقلاب موفق به فرار می‌شود و پس از این جریان فرماندهی آزادسازی پاسداران اسیر به وی محول می‌گردد ولی وی در جریان درگیری به شدت مجروح می‌شود و به سبب شدت جراحات با هلی کوپتر به ارومیه منتقل می‌شود. در راه هلی کوپتر مورد اصابت گلوله‌های دشمن قرار می‌گیرد ولی حمید قبل از انفجار هلی کوپتر توسط دوستش به بیرون از هلی کوپتر و بر روی علف‌ها انداخته می‌شود. پیرمردی کرد که فرزندانش نیز جز پیشمرگ‌های سپاه هستند، حمید را پیدا می‌کند و مجروح ناشناس را از طریق دختر یکی از اهالی روستا که پرستار است به ارومیه منتقل می‌کنند. پزشکی که پرستار از او کمک می‌گیرد اردلان است وی پس از شناسایی مجروح او را ناشناس نگه میدارد و با تغییر قیافه‌ی وی به طرز وحشتناکی سعی می‌کند انتقام خود را بگیرد. اما نرگس از طریق یکی از دوستانش که حمید را شناخته است از جای او آشنا شده و به سراغش می‌رود ولی در ابتدا با دیدن قیافه‌ی وی وحشت می‌کند اما به سرعت از کارش پشیمان می‌شود و او را می‌پذیرد. اردلان پس از آگاهی دیگران از جریان در حال فرار به تهرانه پرتاب می‌شود و می‌میرد. سرانجام حمید با استقبال مردم به شهر خود باز می‌گردد.

## پیرنگ رمان

«پیرنگ ترتیب منظم و منطقی حوادث تراژدی است.

ارسطو تعریف صریحی برای plot (پیرنگ) داده‌است و پیرنگ را تنظیم‌کننده‌ی حوادث و تقلید از عمل دانسته‌است و منظور از تنظیم‌کننده‌ی حوادث، توالی حوادث به صورتی طبیعی است نه ترکیبی که ممکن است نویسنده بنا به سلیقه و ذوق خود با پس و پیش کردن حوادث به داستان بدهد» (جمالی: ۱۳۸۵، ۱۹).

«پیرنگ شامل تمام چیزهایی می‌شود که شخصیت‌های داستان انجام می‌دهند، احساس می‌کنند، فکر می‌کنند و یا می‌گویند. مشروط بر این که بر آنچه بعداً اتفاق می‌افتد تأثیر بگذارد» (دیبل، ۱۳۸۶: ۱۷). «اغلب هسته‌ی اصلی پیرنگ به صورت الهام ناگهانی در ذهن نویسنده خلق می‌شود و به تدریج رشد می‌یابد. پس از آن نویسنده هسته را تکمیل می‌کند و پس از اطمینان از استحکام بافت و روابط تعلیمی آن، به نوشتن داستان دست می‌یازد» (مستور، ۱۳۷۹: ۱۳).

رمان «عشق سال‌های جنگ» ضمن اینکه دارای یک روایت مرکزی و اصلی است، از حوادث فرعی مختلفی تشکیل یافته است که هر یک در فصلی جداگانه و البته تسلسل‌وار بیان شده‌اند و همگی این حوادث به نوعی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. البته باید یادآور شد که برخی از این حوادث فرعی بسیار گسترده بیان شده‌اند که این امر خود به ساختار داستان آسیب می‌رساند و ذهن خواننده را از ماجرای اصلی منحرف می‌سازد. حوادث از توالی زمانی برخوردارند تنها گهگاهی راوی از جانب شخصیت‌ها گریزی به گذشته‌ها دارد. نمونه‌ای را برای روشن تر شدن موضوع ذکر می‌کنم.

اردلان بعد از ازدواج نرگس بدون هیچ دلیلی درخواست می‌کند که محل کارش به ارومیه منتقل شود. دوستا نحمدی برای حفظ جان او، او را در حوالی شهر ارومیه بر روی علوفه‌ها می‌اندازند و فردی محلی او را پیدا می‌کند. دختر یکی از اهالی روستا که در همان بیمارستانی که اردلان مشغول به کار است از این ماجرا آگاه شده و از اردلان درخواست کمک می‌کند. اکنون اردلان به آرزوی خود که انتقام از حمید است، می‌رسد اما معصومه دوست نرگس نیز در همان زمان در همان بیمارستان مشغول به کار می‌شود و خبر پیدا شدن حمید را به نرگس می‌دهد.

نثر کتاب روی هم‌رفته، شسته و رفته و روان است اما ویژگی مشخص سبکی (stylistic) ندارد. نثر نویسنده در اوصاف و توضیح غرق می‌شود. برخی از این اوصاف انشایی و اشرافی است و با زمینه‌ی محتوایی داستان سازگار نیست. مسامحه‌های لفظی و معنایی به نسبت زیادی نیز در کتاب راه یافته که در بسیاری از موارد به روانی نثر آسیب رسانده است. به عنوان نمونه به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

خیلی وقت است ندیده‌ام شان... (ص ۹) (به جای اینکه؛ ایشان را ندیده‌ام).

کاظم از چه ناحیه‌ای مجروح شده... (ص ۱۶) (به جای از چه ناحیه‌ای از بدن... یا چه ناحیه‌ای از بدنش آسیب دیده است).

روی مریض کار می‌کند... (ص ۱۸) (روی کسی کار کردن درست نیست و از راه ترجمه‌های مغلوط به زبان فارسی راه یافته است).

ریزه کاری‌ها و زوایای مختلف زندگی... (ص ۲۱) (متفاوت زندگانی درست است)

تمام علائق... (ص ۲۱) (به جای همه علائق) و... (دستغیب: ۱۳۷۶، ۳۶۴)

## زاویه دید

«زاویه دید، نظرگاه، دیدگاه یا کانون روایت، نمایش دهنده‌ی شیوه‌ای است که نویسنده به یاری آن حال و هوا (حال و هواها) وضعیت و موقعیت‌های شخصیت‌ها، گفت‌وگوها، حادثه‌ها و عناصر دیگری را به وجود می‌آورد و به خواننده ارائه می‌دهد و در واقع رابطه‌ی نویسنده را با داستان به نمایش می‌گذارد. زاویه‌ی دید در داستان نویسی مدرن یکی از مهم‌ترین و معتبرترین عناصری است که نویسنده‌های امروزی به آن توجه دارند. و در گسترش و تنوع آن کوشیده‌اند» (میرصادقی: ۱۳۹۱، ۱۵). «زاویه‌ی دید انواعی دارد و انتخاب نوع آن بستگی به نوع هدف و نوع ارتباطی دارد که نویسنده می‌خواهد به جهان داستان برقرار کند. به عبارت دیگر انتخاب نوع روایت داستان بستگی به ارتباط قصه‌نویسی با راوی و راوی با شخصیت‌ها و خواننده دارد» (جمالی: ۱۳۸۵، ۹۰).

در رمان «عشق سال‌های جنگ» زاویه‌ی دید سوم شخص است. «در این شیوه‌ی نقل، نویسنده به قالب شخصیت‌های داستان می‌رود و ویژگی‌های روحی، عاطفی و خلقی آن‌ها را برای خواننده تشریح و تصویر می‌کند. به عبارت دیگر فردی برتر، از خارج شخصیت‌های داستان را رهبری می‌کند و از نزدیک شاهد اعمال و افکار آنهاست و در واقع در حکم خدایی است که از گذشته و حال و آینده‌شان آگاه است. می‌داند آنان به چه فکر می‌کنند و چه احساسی دارند و چه عملی می‌خواهد از آنان سربرزند. هیچ نیازی نمی‌بیند به خواننده حساب پس بدهد که چطور از چنین اطلاعاتی باخبر شده است» (میرصادقی: ۲۰، ۱۳۹۱).

در رمان **عشق سال‌های جنگ** نیز راوی از بیرون به بیان حالات و رفتار و گفتارهای شخصیت‌ها می‌پردازد. وی در قالب شخصیت‌ها به بیان حالات و احساسات گوناگون آنها می‌پردازد و در بیان گفت‌گوها نیز چنین زاویه‌ی دیدی رعایت شده است. داستان تا انتها زاویه‌ی دید سوم شخص را حفظ کرده و تغییری در آن رخ نمی‌دهد. راوی در این رمان، راوی ناظر است و تنها به شرح وقایع و حوادث می‌پردازد بدون اینکه قضاوتی در مورد شخصیت‌ها داشته باشد.

### شخصیت

«قهرمانان و شخصیت‌های داستان کسانی هستند که با اعمال یا گفتار خود داستان را به وجود می‌آورند. آنچه می‌کنند آکسیون یا عمل Action و به آنچه می‌گویند دیالوگ یا گفتار می‌گویند» (شمیسا: ۱۳۷۴، ۱۶۹).

شخصیت‌ها در پیشبرد روند داستان درجات و اهمیت‌های متفاوتی دارند. برخی از آنها اصلی محسوب می‌شوند.

### شخصیت اصلی

«در طرح داستان محور حوادث شخصیت اصلی است که همه‌ی حوادث و شخصیت‌های دیگر به معرفی او می‌پردازند. اوست که حوادث مهم را پیش می‌برد و از همه مهم‌تر سرنوشت و پایان ماجراهای اوست که اهمیت پیدا می‌کند. به چنین شخصیتی شخصیت اول یا اصلی می‌گویند» (جمالی: ۷۲، ۱۳۸۵).

حمید پاسداری تهرانی است که برای کنترل اوضاع کرمانشاه داوطلبانه به آنجا آمده و با وجود سن کم فرماندهی عملیات‌ها را برعهده دارد، او شخصیت اصلی رمان عشق سال‌های جنگ است. وی جوانی است متدین و مدبر که در سرتاسر رمان شخصیتی ایستا دارد و تا انتهای رمان هیچ‌گونه تغییر روحی و رفتاری در وی ایجاد نمی‌شود.

حمید دارای ذهنی مشوش است ذهنی درگیر بین فرماندهی عملیات‌ها و جنگ و زندگی شخصی و وابستگی‌های شخصی خود.

«ذهن و فکر حمید به کرمانشاه بازگشته بود. در دل گفت خوب شد که نرفتم پیش حاجی (پدر نرگس) والا در چنین موقعیتی خیلی بد می‌شد، بعد به این فکر کرد که آیا اصولاً این کار، کار درستی است یا نه؟.....

ذهن حمید از کرمانشاه به نقطه‌ی درگیری پرکشید. از خودش پرسید راستی بچه‌ها کجای این جاده درگیر هستند» (فتاحی: ۴۷، ۱۳۸۱).

قهرمان قصه شخصیتی شجاع و دوستدار وطن است ولی مانند سایر انسان‌های عادی گاه دچار تشویش و ترس و دودلی می‌شود

«و خواست بیشتر خم شود و آن پایین را نگاه کند اما می‌ترسید. آهسته آهسته دستش را پایین برد. به خودش نهیب زد که «مگر خودت نزدیشان؟ از چه می‌ترسی؟» (فتاحی: ۷۵، ۱۳۸۱).

**شخصیت‌های فرعی:** «این‌گونه شخصیت‌ها در کنار شخصیت اصلی در مقام دوم و سوم و... هستند و اصولاً نسبت به شخصیت اصلی داستان اهمیت کمتری دارند.

شخصیت‌های فرعی، شخصیت اصلی را برای رسیدن به هدفش یاری می‌دهند، آنها یا دوست و محرم اسرار شخصیت اصلی هستند یا مخالف و دشمن او. شخصیت‌های فرعی بهانه‌ای برای ارائه‌ی اطلاعات درباره‌ی داستان و شخصیت‌های اصلی به خواننده هستند» (جمالی: ۷۳، ۱۳۸۵).

شخصیت فرعی این رمان که بیشترین رابطه و تأثیر را بر شخصیت اصلی دارد و به نوعی می‌توان گفت مکمل او هست «ترگس» نام دارد. وی معلمی کردی است که به صورت داوطلبانه در بیمارستان‌ها به نگهداری و پرستاری از مجروحان جنگی می‌پردازد و نیز خود در فعالیت‌های سیاسی نقشی فعالانه دارد. و در جریان همین فعالیت‌هاست که با حمید، قهرمان داستان آشنا شده و به یکدیگر علاقه‌مند می‌شوند.

شخصیت‌های فرعی در این رمان بسیارند و هر کدام به نوعی یا به کمک قهرمان می‌پردازند و یا در مقابل وی ایستاده و موانعی را بر سر راه وی ایجاد می‌کنند.

«تضاد شخصیت‌های فرعی با اصلی منجر به کشمکش، نقطه‌ی عطف، تفسیر ماجراها، به هم پیوستن حوادث و پیشبرد ماجرا میشود» (جمالی: ۱۳۸۵، ۷۵).

چنین شخصیت‌هایی در رمان که در مقابل شخصیت اصلی قرار می‌گیرند و موجب ایجاد مانع بر سر راه او می‌شوند ضد قهرمان نامیده می‌شوند.

نیروهای ضد انقلاب کردستان بزرگترین نقطه‌ی مقابل قهرمان رمان هستند. نیروهایی که شخصیت اصلی داستان برای رویارویی با آنها شهر خود را ترک گفته و برای مبارزه با آنها همواره جان خود را به خطر می‌اندازد. البته وجود برخی از این شخصیت‌های فرعی در رمان غیر ضروری است زیرا این شخصیت‌ها هیچ کمکی در پیشبرد جریان رمان ندارند و به راحتی میتوان شخصیت آنها را در رمان نادیده گرفت.

اما در واقع اصلی‌ترین دشمن حمید که بزرگترین مانع را برای او ایجاد می‌کند اردلان پسر عمه‌ی ترگس است. وی دکتری جوان است که به تازگی تحصیلات خود را به پایان رسانده است. ترگس و اردلان از کودکی برای ازدواج بایکدیگر در نظر گرفته شده‌اند و زمانی که اردلان با جواب منفی ترگس به خاطر فردی دیگر مواجه می‌شود کینه‌ی وی را به دل می‌گیرد و همواره منتظر زمانی است که انتقام خود را از وی بگیرد.

«... اردلان با خشم و کینه به خانه رفت و فردای آن روز وسایلش را جمع کرد و به ارومیه رفت. درحالی‌ه تصمیم داشت خیلی زود برگردد و به هر وسیله‌ای که شده آتش انتقامش را فرونشاند» (فتاحی: ۱۳۸۱، ۹۷).

وبالاخره زمانی که اردلان بیکر نیمه جان و ازهم پاشیده‌ی حمید را در یکی از روستاهای کردستان پیدا می‌کند به سراغش رفته و انتقامش را می‌گیرد.

«...به نظرش آن لحظه در زندگیش لحظه‌ی مهم و سرنوشت سازی بود. لحظه‌ای که می‌توانست تمام آنچه را که از دست داده بود و به خاطرش شدیدترین لطمات روحی را خورده بود بازپس گیرد...»

اردلان در دل گفت اگر این بیمار ناشناس همان حمید گمشده باشد هرگز او را پیدا نخواهند کرد... در همان چند دقیقه نقشه‌های جورواجوری در مغز اردلان طرح شد نقشه‌هایی که سرانجام هریک از آنها به جایی ختم می‌شد که حمید را به صورتی درآورد که کسی رغبت نگاه کردن به او را نداشته باشد».

اردلان در پایان رمان هنگام فرار در دره‌ای سقوط می‌کند و می‌میرد. این همان پایان کلیشه‌ای است که برای اکثر شخصیت‌های منفی در اکثر رمان‌ها و فیلم‌ها مشاهده می‌شود. گویا این امر پایانی اجباری است برای شخصیت‌های منفی که به راحتی می‌توان آن را حدس زد و اینگونه پایان یافتن هیچگونه هیجانی را در ذهن و فکر خواننده ایجاد نمی‌کند. در واقع می‌توان گفت که ساده‌ترین فرجامی است که برای شخصیت‌های منفی می‌توان در نظر گرفت.

در این رمان برخی از شخصیت‌ها نماینده‌ی تیپ هستند. «شخصیت‌های نوعی یا تیپ نشان دهنده‌ی خصوصیات گروه یا طبقه‌ای از مردم است که او را از دیگران متمایز می‌کند.

تیپ یک «غریبه‌ی آشنا» است، آشناست به این علت که خصایص و ویژگی‌های پدیده‌های واقعی را نشان می‌دهد و غریبه است به این دلیل که خصایص و ویژگی‌ها در شخصیت فردی نوین یا در تصویر نوینی از زندگی که حاصل خلاقیت هستند تمرکز می‌یابند» (میرصادقی: ۱۳۷۶، ۱۰). از این رو با توجه به تعریف فوق میتوان گفت شخصیت‌های مطرح شده در این رمان شخصیت نوعی یا همان تیپ هستند. هر کدام از این شخصیت‌ها نماینده‌ی گروهی از مردم و نیز ویژگی اخلاقی متمایزی هستند که به وفور نمونه‌های عینی و واقعی آن‌ها را در جامعه مشاهده می‌کنیم.

مجتبی رحماندوست در خصوص شخصیت‌های رمان «عشق سال‌های جنگ» می‌گوید:

«نوشته از ضعف شخصیت‌پردازی و پرداخت داستانی رنج می‌برد. شخصیت‌ها، ظرفیت و پتانسیل لازم برای یک کار نسبتاً بلند(رمان) را ندارند. هیچ تحول عمده‌ای در شخصیت‌ها صورت نمی‌گیرد و یا بهتر بگوییم هیچ نشانی (ولو در پایان کار) وجود ندارد. رمان همایش و پرداخت داستانی خاص است که در طول آن شخصیت‌ها با یک رویکرد حادثه‌ای - مکانی - یا زمانی به سمتی سوق داده می‌شوند که اندیشه رمان نویس را برتابانند، که دراینکار چنین نیست. البته تظاهر به این کار وجود دارد اما یک مخاطب حرفه‌ای تظاهر به عمل را با رویکرد و پرداخت واقعی می‌داند» (رحماندوست، ۱۳۷۴: ۷۳).

### حقیقی بودن شخصیت‌ها

«زندگی انباشته از وقایع متنوع و موقعیت‌های گوناگون است. هر واقعه‌ای که روی می‌دهد و هر موقعیتی که پیش می‌آید، برای نویسنده می‌تواند در حکم مواد خامی باشد که از آن‌ها داستان‌های پرشو و احساسی خلق کند یا حتی رمان‌های بزرگ و باارزشی بیافریند. از این رو مواد و مصالح برای نویسنده فراوان است اما از آن‌ها باید به گونه‌ای استفاده کند که داستانش در نظر اکثریت خوانندگان از حقیقت‌مانندی لازم برخوردار باشد. این مواد و مصالح در گزینش از زندگی واقعی درهم و برهم است. نویسنده باید به آن‌ها نظم و سامان بدهد و میان وقایع ارتباط منطقی برقرار کند، یعنی از میان وقایع جورواجور و وضعیت و موقعیت‌های گوناگون گزینشی به عمل آورد تا خوانندگان به وقوع حوادث متقاعد شوند» (میرصادقی، ۱۴۵، ۱۳۷۶).

«شخصیت‌های داستان شبیه آدم‌های واقعی‌اند در عین حال به آنها شباهتی ندارند در داستان واقع‌گرایانه، شامل رمان‌ها و داستان‌های کوتاه نویسندگان کوشیده‌اند تا شخصیت‌هاشان هر چه بیشتر آدم‌های واقعی باشند. مقصود این است که این نویسندگان کوشیده‌اند به گرد این شخصیت‌ها جزئیاتی را بنشانند که از زندگی دوره‌ی خود گرفته‌اند و کوشیده‌اند تا رخداد‌های روایتشان محدود به چیزهایی باشد که در زندگی روزمره متحمل است» (اسکولز، ۱۸، ۱۳۹۱).

«شخصیت‌های واقعی‌نما نویسنده را قادر می‌کند مفاهیم اخلاقی یا کیفیت‌های روحی و روشنفکرانه را به قالب عمل درآورد. وقتی اعمال و گفتار شخصیتی، فکر یا عقیده یا کیفیتی را ارائه می‌دهد ممکن است او را چون شخصیت‌های نمادین گرفت» (جمالزاده، ۱۰۷، ۱۳۷۶).

شخصیت‌های رمان «عشق سال‌های جنگ» کسانی هستند که شاید بارها با امثال آنها برخورد داشته‌ایم. کم نبوده‌اند رزمندگانی چون **کاظم** که با فداکردن جان خود به حفظ و حراست از میهن خود پرداخته‌اند. شخصیت‌هایی چون **نرگس** که با فداکاری عمر خود را صرف نگهداری از همسر جانباز خود کرده‌اند. و یا افرادی چون **معصومه** که همسرانشان را در جنگ از دست داده و سوگوار شده‌اند. افرادی چون اردلان که آتش خشم و کینه آنها را کور کرده و دست به اعمالی زده‌اند که در نهایت به ضرر خودشان پایان یافته است. بنابراین می‌توان گفت که نویسنده برای خلق شخصیت‌های رمان خود از مصداق‌های واقعی آنها تأثیر پذیرفته است. از این رو هریک از شخصیت‌های این رمان را می‌توان نمادی از ویژگی و خصوصیت‌های مختلف دانست.

### زمینه

«زمینه در اثر داستانی از فضای تاریخی و جغرافیایی محیط ایجاد می‌شود. بدین جهت «نویسنده باید دوروبر شهرش را چه واقعی باشد و چه تخیلی، درست مثل کف دستش بشناسد» (رابرت لوییس استیونس، به نقل از دات فایر: ۳۵، ۱۳۸۸).

«زمینه‌ی اثر، به تصویر کشیدن اوضاع و احوالی است که باعث آشنایی خواننده با شخصیت‌های داستان می‌شود و خواننده نسبت به قهرمانان شناخت و آگاهی کسب می‌کند. زمینه را توصیف نویسنده به وجود می‌آورد. نویسنده برای ارائه‌ی یک زمینه‌ی خوب و مناسب در داستان، باید اطلاعات تاریخی و جغرافیایی و جامعه‌شناختی دقیق و عمیقی داشته باشد. می‌توان گفت که زمینه، زمان تاریخی و مکان جغرافیایی است که حوادث داستان در آن اتفاق می‌افتد» (شمیسا، ۱۳۷۴، ۱۷۵).

حوادث رمان عشق سال‌های جنگ در سال ۵۹ و در اوایل انقلاب در کرمانشاه رخ می‌دهد. کرمانشاه درگیر جنگی داخلی است و حوادث داستان بر محور این جنگ رخ می‌دهند. راوی به بیان عملیات‌های مختلف که سپاهیان در کرمانشاه انجام می‌دهد می‌پردازد و در این بین به بیان تمامی جزئیات جغرافیایی منطقه کردستان می‌پردازد به طوری که نشان دهنده تسلط و

شناخت کامل راوی از آن منطقه باشد و همین امر خود موجب واقعی جلوه کردن حوادث این رمان می‌شود. در واقع ذکر این جزئیات و توصیفاتی که راوی در داستان دارد باعث عینی و تصویری شدن رمان می‌شود. اما در این بین گاه نویسنده خود را ملزم می‌داند که تمامی جزئیات را شرح دهد و در صورتی این شرح‌ها گاهی بدون ضرورت می‌باشند و موجب ملال خاطر و عدم رغبت خواننده برای خواندن متن می‌شوند. به گونه‌ای که گاه به راحتی می‌توان بخش‌هایی را نادیده گرفت.

### تم یا مضمون

برای دریافت دشوارترین جنبه‌ی تفسیری تحلیل ادبی که درون مایه است سرنخ‌هایی وجود دارد: عنوان اثر، تفسیر و اظهارنظرها، راوی یا شخصیت‌های رمان، **توصیف** صحنه، انگاره‌های تکرار، هم‌کناری کنایی و لحن روایت از این جمله اند (اسکولز: ۲۳، ۱۳۹۱). مضمون در واقع موضوع رمان است. مضمون را می‌توان با یک کلمه و یا حداقل یک جمله بیان کرد (دیبیل: ۹، ۱۳۸۶).

همان گونه که از عنوان اثر «عشق سال‌های جنگ» برمی‌آید عمده‌ترین مضمون این رمان بررسی عشق دو جوان در جریان جنگ و درگیری‌ها می‌باشد. می‌توان گفت نویسنده در صدد انعکاس جنگ همراه با تمامی ابعاد آن بوده است. در واقع با خواندن این رمان میتوان فهمید که جنگ تنها به ابعاد منفی آن محدود نمی‌شود بلکه در تمام این سال‌ها مردم به زندگی عادی خود ادامه داده اند ولو با مشکلاتی که جنگ برای آنها به همراه آورده بود.

اما درون مایه‌هایی دیگر نیز در این رمان نهفته است چون ایثار و فداکاری، جنگ و تبعات آن، شجاعت و دلاوری رزمندگان، ایمان و اعتقاد و ماندن بر سر ایمان و اعتقاد. به طور کلی برای این رمان دو بعد کلی حماسی که مربوط به جنگ و درگیری‌ها و رشادت‌هاست و بعد غنایی -عشقی که در سال‌های جنگ رخ می‌دهد- می‌پردازد.

«چیزی که ناگهان ذهن نرگس را پر کرده بود آگاهی نسبت به مسئله‌ای بود که اگرچه کوچک و ساده بود ولی نقش مهمی در زندگی او داشت. اینکه در وجود آدمی عشق خدایی و عشق زمینی توأمأ باعث عشق و محبت و دوستی می‌شود. هرگاه عشق زمینی غلبه کند و با محبت بشری کسی را دوست داشته باشی احتمال این خطر است که روزی برسد که این عشق و محبت به نفرت تبدیل شود. اما اگر در همه حال عشق خدایی غالب باشد این خطر به کلی منتفی می‌شود.» (فتاحی: ۱۳۸۱، ۳۵۲)

و شاید این همان پیامی باشد که نویسنده در پی انتقال آن به خواننده بوده است.

### لحن

«لحن شیوه پرداخت نویسنده نسبت به اثر است به طوری که خواننده آن را حدس بزند. درست مثل لحن صدای گوینده ای که ممکن است طرز برخورد او را با موضوع و مخاطبش نشان بدهد، مثلاً تحقیرآمیز، نشاط آور، موقرانه، رسمی، یا صمیمی باشد. همانطور که لحن نویسنده، هم طرز برخورد اوست. لحن شیوه پرداخت یا «زاویه دید» نویسنده نسبت به موضوع داستانش است. کلماتی که نویسنده انتخاب می‌کند، به همان اندازه که بیانگر جنبه‌های تصویری و استدلالی هستند ممکن است بازگو کننده حسی یا حالتی یا حال و هوایی خاص باشند که برطبق آن باید قطعه یا جمله ای خوانده شود، یعنی حالت خشم آلود، التماس آلود، ملال آور، شبهه آگیز، تکبرآمیز، بذله‌گویانه و دیگر جنبه‌های رفتار، بنابراین لحن مفهومی موشکافانه است که معنای تلویحی این است که آثار ادبی همچون گفتار، به گوینده و شنونده ای نیاز دارد. لحن، طرز تلقی و نگرشی است که نویسنده می‌خواهد به شنونده بدهد. از این رو برای درک کامل اثری تشخیص لحن آن ضروری است. هرچند که ممکن است این کار دشوار باشد» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۵۲۳).

در داستان‌های امروزی، لحن اغلب درخور موضوع و شخصیت‌های داستان می‌آید. نویسندگان می‌کوشند فردیت شخصیت‌های خود را با ویژگی‌های لحن صحبت‌های آن‌ها و طرز تفکرشان نشان بدهند. مثلاً وقتی از زبان کودکی داستانی روایت می‌شود باید لحن روایت داستان متناسب با سن و سال کودک باشد. از این رو لحن، طرز برخورد نویسنده نسبت به موضوع و شخصیت‌های داستان است.

لحن و فضای کلی حاکم بر این داستان متناسب با موضوع آن یعنی جنگ لحنی جدی و رسمی است. شخصیت اصلی رمان فرماندهی جنگی است و وی در جریان درگیری‌ها و حملاتی که انجام می‌دهد دارای لحنی جدی، مقتدرانه و تأثیرگذار است به گونه‌ای که لازمه‌ی هر فرمانده جنگی است.

«حمید گفت: جای نگرانی نیست. جنگ آنچنانی در کار نیست. به علاوه اگر هم باشد سرنوشت جنگ و پیروز شدن یا شکست خوردن خیلی ارتباط با تجهیزات و سلاح و مهمات ندارد.

یکی پرسید پس به چه بستگی دارد؟

حمید گفت: به همین که تو را آوازه‌ی این کوه‌ها کرده است به همین که دو شب و دو روز است تو خواب و استراحت را بر خود حرام کرده‌ای به عمل من و تو. به احساسی که من و تو نسبت به کارمان داریم. اگر حس کنی در جای حق نشسته‌ای پیروز می‌شوی. اگر به پیروزی مصمم باشی حتماً دشمنت را شکست می‌دهی (فتاحی: ۱۹۳، ۱۳۸۱).

اما در بعد دیگر رمان که بیان عشق بین دو جوان در حین سال‌های جنگ می‌باشد لحن سخن حمید همسرش لحنی کاملاً صمیمانه و محبت‌آمیز است.

«...این بار حمید جدی تر گفت: یک جلد کلام الله به اضافه‌ی جانم را مهرت میکنم.

نرگس پرسید چه مهرم می‌کنی؟

حمید با همان لحن آرام گفت: جانم را و بعد اضافه کرد به اضافه‌ی آن صدویست و چهارهزار سکه» (فتاحی: ۱۳۸، ۱۳۸۱). نکته‌ای که می‌توان گفت این است که فضای عاشقانه‌ای که در مان جریان دارد تنها از طریق لحن شخصیت‌ها و بدون اینکه کلمه‌های عاشقانه- نظیر آنچه در رمان‌های عاشقانه‌ی صرف وجود دارد- به کار برده شود به خواننده منتقل می‌شود و همین امر این رمان را از کلیشه بودن می‌رهاند و موجب جذابیت رمان و چه بسا بیانگر عشق ساده و پاک این دو جوان می‌شود. باقی شخصیت‌ها نیز هر کدام بسته به موقعیت و طرف مقابل خود لحنی متغیر دارند. اوستا عباس کارگری ساده که اکنون جز نیروهای سپاه است و اسیر در دست دشمنان هنگام صحبت با هم‌زمانش برای ایجاد روحیه و عدم ناامیدی لحنی کاملاً صمیمانه و شوخ دارد.

«اوستا عباس گفت: بعله خیالتان از این بابت راحت باشد. فکر میکنم در بایگانی عزرائیل پرونده‌ی من یکی که گم شده. ده بار تا حالا تیر مستقیم خورده‌ام از این طرف آمده از آن طرف رفته، بازهم زنده‌ام. امروزمان هم که اینطور.

همین چند کلام حرف باعث شد تا تاریکی کاهدان که باعث حس جدایی بچه‌ها شده بود بشکند (فتاحی: ۱۱۹، ۱۳۸۱)

### نتیجه‌گیری

رمان عشق سال‌های جنگ نخستین تجربه‌ی فتاحی در زمینه‌ی بزرگسالان و از جمله متن‌های زیبا و تأثیرگذار است که در خصوص جنگ و تبعات و زوایای مختلف آن نوشته شده‌است. همچنین فتاحی در این رمان به عشق و دلدادگی نگاهی خاص و ویژه دارد و در این راستا با بهره‌گیری مناسب و به جاز عناصر داستانی توانسته سبب جذابیت هرچه بیشتر رمان شود. وی در این رمان با بهره‌گیری از زاویه‌ی دید دانای کل به بیان حالات و روحيات مختلف شخصیت‌ها پرداخته و توانسته خواننده را با تفکرات و حالو هوای هریک از آن‌ها آگاه سازد که البته می‌توان گفت همین امر سبب شده تا خواننده چنان که باید نتواند با شخصیت‌ها ارتباط برقرار سازد.

شخصیت‌های رمان فراوان و متعدد و هریک از آن‌ها نماینده‌ی گروه خاصی از افراد جامعه می‌باشند و همین امر سبب باورپذیری و واقعی‌نما بودن هریک از این شخصیت‌ها شده و رمان را از کلیشه بودن و شعارزدگی به دور ساخته‌است. از جمله مسائل بارز دیگر در خصوص این رمان نقش پررنگ زنان در آن است که نویسنده توانسته به خوبی تأثیرگذاری آنان در جنگ را بیان و ساخته و نیز مسائلی را که هریک از آنان به عنوان مادران و همسران شهدا و جانبازان درگیر آن هستند را بیان سازد.

به طور کلی می‌توان بیان داشت که فتاحی با در رمان خود به کارگیری صحیحی از عناصر داستانی داشته و به دور از هرگونه شعارزدگی توانسته جنگ و مسائل آن‌را به صورتی باورپذیر به نسلی که درگیر این جنگ نبوده‌اند منتقل سازد.



## منابع

- ۱- اسکولز، رابرت. (۱۳۹۱). *عناصر داستان*. ترجمه فرزانه طاهری، چاپ چهارم، تهران: نیکا چاپ.
- ۲- پاتریک، ویلیام. (۱۳۸۰). *چگونه ادبیات داستانی را تحلیل کنیم*. ترجمه مهرداد ترابی نژاد، چاپ اول، تهران: انتشارات زیبا.
- ۳- جمالی، زهرا. (۱۳۸۵). *سیری در ساختار داستان*. چاپ اول، تهران: انتشارات همداد.
- ۴- رحماندوست، مجتبی. (۱۳۸۸). *سه پدیده در آیین‌های رمان*. چاپ اول، تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۵- رحماندوست، مجتبی. (۱۳۷۴). «درباره عشق سال‌های جنگ». *مجله ادبیات داستانی*، ش ۳۱ و ۳۲.
- ۶- دیبل، آسن. (۱۳۸۶). *طرح در داستان*. ترجمه مهرنوش طلائی، چاپ اول، اهواز: ریش.
- ۷- داین، دات فایر. (۱۳۸۸). *فن رمان نویسی*. ترجمه محمد جواد فیروزی، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه.
- ۸- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۷۶). *به سوی داستان نویسی بومی*. چاپ اول، تهران: انتشارات سوره.
- ۹- سرشار، محمدرضا. (۱۳۹۲). *روزنگاشت‌هایی درباره‌ی ادبیات داستانی پس از انقلاب*. چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۰- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). *انواع ادبی*. چاپ اول، تهران: فردوس.
- ۱۱- شیشه‌گران، پرویز. (۱۳۸۶). *چهل کتاب*. چاپ اول، تهران: گلگشت.
- ۱۲- فتاحی، حسین. (۱۳۸۸). *عشق سال‌های جنگ*. چاپ هشتم، تهران: قدیانی.
- ۱۳- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۹). *شناخت ادبیات انقلاب اسلامی*. چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۱۴- میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶). *عناصر داستان*. چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن.
- ۱۵- میرصادقی، جمال. (۱۳۷۹). *ادبیات داستانی*. چاپ اول، تهران: آسمان.
- ۱۶- میرصادقی، جمال. (۱۳۹۱). *زاویه دید در داستان*. چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- ۱۷- مستور، حسین. (۱۳۷۹). *مبانی داستان کوتاه*. چاپ اول، تهران: نشر مرکز.